



مجموعه آثار - ۳

بررسی افکار
دیوید هیوم و برتراند راسل

محمدتقی جعفری

سرشناسه	: جعفری تبریزی، محمدتقی، ۱۳۰۲ - ۱۳۷۷.
عنوان و نام پدیدآور	: بررسی افکار دیوید هیوم و برتراند راسل / محمدتقی جعفری؛ بازبینی: علی جعفری، کریم فیضی، محسن صحراییان؛ تدوین و تنظیم عبدالله نصری.
مشخصات نشر	: تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۵۶۶ ص.
فروست	: مجموعه آثار؛ ۳.
شابک	: ۳۵۰۰۰ ریال: 5 - 24 - 6608 - 964 - 978
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
یادداشت	: ویراست‌های قبلی کتاب حاضر تحت عنوان‌های «بررسی و نقد برگزیده افکار راسل» و «توضیح و بررسی مصاحبه برتراند راسل - وایت» منتشر شده است.
عنوان دیگر	: بررسی و نقد برگزیده افکار راسل.
عنوان دیگر	: توضیح و بررسی مصاحبه برتراند راسل - وایت.
موضوع	: راسل، برتراند، ۱۸۷۲ - ۱۹۷۰ م. -- نقد و تفسیر
موضوع	: هیوم، دیوید، ۱۷۱۱ - ۱۷۷۶ م. -- نقد و تفسیر
شناسه افزوده	: نصری، عبدالله، ۱۳۲۶ - گردآورنده
شناسه افزوده	: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۲ ج ۷ / ۲۴ ر / ۱۶۴۹ B
رده‌بندی دیوبی	: ۱۹۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۷۸۲۰ - ۸۱ م



مجموعه آثار ۳ - بررسی افکار دیوید هیوم و برتراند راسل

نویسنده: محمدتقی جعفری

ناشر: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری

تدوین و تنظیم: عبدالله نصری

بازبینی: علی جعفری - کریم فیضی - شهرام تقی‌زاده انصاری

تنظیمات رایانه‌ای: رؤیا عزیزی موسوی

طراح جلد: سعید عجمی

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۲

چاپ: چاپ و طرح امروز

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

حقوق چاپ و نشر برای مؤسسه علامه جعفری محفوظ است.

تلفن: ۴۴۰۹۱۰۴۲ - ۴۴۰۲۱ - ۴۴۰۷۰۲۰۰ - ۲۱

شابک: ۵ - ۲۴ - ۶۶۰۸ - ۹۶۴ - ۹۷۸ / 5 - 24 - 6608 - 964 - 978

www.ostad-jafari.com / Info@ostad-jafari.com

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

نمایه مطالب

۱۵.....	پیشگفتار.....
۱۷.....	توضیح و بررسی مصاحبهٔ راسل - وایت.....
۱۹.....	مقدمه.....
۲۳.....	شک فلسفی و فلسفهٔ شک.....
۲۴.....	تحلیل شک به طور کلی.....
۲۵.....	شک، پدیده‌ای مخلوط از روشنایی و تاریکی.....
۲۶.....	تفاوت میان شک و جهل ابتدایی.....
۲۷.....	شک‌های معمولی، علمی و فلسفی.....
۲۸.....	شک عمیق و شک سطحی.....
۲۹.....	نسبی بودن عمیق و سطحی بودن شک.....
۳۰.....	قضیهٔ مشکوک و قضیهٔ شبه مشکوک.....
۳۲.....	تقید و پای‌بند بودن به شک.....
۳۳.....	شک روانی.....
۳۴.....	بدبینی‌های مولود شک.....
۳۴.....	عکس‌العمل‌های شک غیر عادی.....
۳۵.....	اصل امکان تفکیک در پدیده‌های روانی ادراک.....
۳۷.....	۱- ارتباط بدون محاسبهٔ علت و معلول.....
۳۷.....	۲- ارتباط با محاسبه.....
۴۰.....	فلسفهٔ شکاکین در تاریخ علم و فلسفه.....
۴۳.....	ارزش شک‌های فلسفی امروزی.....
۴۶.....	آیا برتراند راسل یک فیلسوف شکاک است؟.....
۵۱.....	فلسفه.....

- ۱- تعریف فلسفه ۵۱
- ۲- اختلاف میان فلسفه و علم ۵۵
- ۳- فلسفه و علم ۵۷
- ۴- فایده فلسفه ۵۷
- ۵- تحقیقات نظری ۵۸
- ۱- نظریه فیزیکی ۶۲
- ۲- نظریه ریاضی ۶۲
- ۳- نظریه فلسفی ۶۲
- ۶- چگونگی اکتشافات ۶۲
- ۷- افلاطون و دموکریت ۶۴
- ۸- اقسام سه گانه مسائل فلسفی ۶۵
- ۹- فلسفه در امتداد تاریخ ۶۶
- ۱۰- آیا مارکس فیلسوف است؟ ۶۹
- ۱۱- از کدام دسته فلاسفه هستید؟ ۷۰
- ۱۲- اتمیست منطقی ۷۰
- ۱۳- تمایل امروزی فلسفه ۷۳
- ۱۴- فلسفه آکسفورد ۷۵
- ۱۵- بررسی فلسفه آکسفورد ۷۵
- ۱۶- نتیجه عملی فلسفه راسل ۷۷
- ۱۷- تشکیک در امور ۷۷
- ۱۸- عدم ایمان قطعی ۹۰
- ۱۹- فلسفه در آینده ۹۰
- ۲۰- آیا فلاسفه بسیارند؟ ۹۲
- ۲۱- خلاصه ارزش فلسفه در امروز و آینده ۹۲
- مذهب ۹۳
- ۲۲- آیا مرد مذهبی بوده‌اید؟ ۹۳
- ۲۳- عدم اثبات مسائل سه گانه فوق ۹۴

نمایه مطالب ۷

- ۲۴- چرا آزادی اراده وجود ندارد؟ ۹۴
- ۲۵- آیا به طور قطع خدا نیست؟ ۱۱۰
- ۲۶- آیا مذهب مضر است یا نافع؟ ۱۱۴
- نتایج مذهب ۱۲۶
- مسائل تعبدی ۱۲۸
- علل تعبد ۱۳۰
- ۲۷- آیا منظور شما سانسور عقاید است؟ ۱۳۷
- ۲۸- علت این که بشر خواستار مذهب است، چیست؟ ۱۳۷
- ۲۹- عوامل مزبور در نظر بنیان‌گذاران مذاهب ۱۴۴
- ۳۰- مذهب، غیر از گرونده به مذهب است؟ ۱۴۵
- ۳۱- توضیح درباره مسئله بالا ۱۴۶
- ۳۲- پدران کلیسا چه کردند؟ ۱۴۶
- ۳۳- آیا مذهب کارهای خوب انجام نداده است؟ ۱۴۷
- ۳۴- یا مذهب و یا زندگی غیر متعادل ۱۴۸
- ۳۵- آیا مذهب مشکلات زندگی را به دوش دیگران می‌اندازد؟ ۱۵۰
- ۳۶- از چه نظر ریشه مذهب، ترس نامیده می‌شود؟ ۱۵۱
- تفسیر دخالت خداوند در شئون بشری ۱۵۱
- ۳۷- آیا مردم باید به خود متکی باشند؟ ۱۶۴
- ۳۸- آیا بشر به داشتن مذهب اصرار می‌ورزد؟ ۱۶۴
- ۳۹- تمایل یک فرد مسیحی ۱۶۷
- ۴۰- آیا بشر در جستجوی موجود برتر از خود است؟ ۱۶۷
- ۴۱- آیا مذهب، بشریت را هم‌چنان قبضه خواهد کرد؟ ۱۶۹
- اگر خود زمان مؤثر است، تقصیر فضا چیست؟ ۱۷۶
- ۴۲- بشر پس از مردن محو می‌شود؟ ۱۷۷
- اخلاق تابو ۱۷۹
- ۴۳- اخلاق تابو چیست؟ ۱۷۹
- ۴۴- مقررات اخلاق تابو چیست؟ ۱۸۰

- ۴۵- آیا امروزه هم اخلاق تابو وجود دارد؟..... ۱۸۱
- ۴۶- حرمت قتل نفس محترمه، تابو نیست..... ۱۸۵
- ۴۷- محرمات مذهبی غیر از تابو است؟..... ۱۸۷
- ۴۸- تابو فایده دارد؟..... ۱۸۷
- ۴۹- آیا اخلاق از سیاست جداست؟..... ۱۸۸
- ضرورت اخلاق..... ۱۹۱
- عدم اطمینان به تطبیق‌کنندگان قوانین..... ۱۹۳
- ۵۰- آیا تک‌زوی برای اجتماع مضر است؟..... ۱۹۵
- ۵۱- آیا چیزی به عنوان گناه وجود دارد؟..... ۱۹۵
- ۵۲- آیا گناه، عذر ستمگری است؟..... ۱۹۷
- ۵۳- گناه برای گریز از احساسات زورگویانه است؟..... ۲۰۰
- ۵۴- اختلاط معاصی جنایی..... ۲۰۱
- ۵۵- آیا شر وجود دارد؟..... ۲۰۲
- ۵۶- اخلاق تابو و روابط جنسی..... ۲۰۲
- ۵۷- زنا اگر به کسی ضرر نرساند، جایز است؟..... ۲۰۳
- ۵۸- آیا قانون برای مطبوعات لازم است؟..... ۲۱۴
- ۵۹- تمایل مردم به انتشارات وقیحانه چگونه است؟..... ۲۱۵
- ۶۰- تشریح و تلقیح مصنوعی و عدم جواز طلاق و کنترل موالید..... ۲۱۶
- برگزیده افکار راسل..... ۲۱۹**
- مقدمه مؤلف (رابرت اگنر)..... ۲۲۱
- سپاسگزاری مؤلف..... ۲۲۳
- روان‌شناسی..... ۲۲۵
- بت شهرت پرستی..... ۲۲۷
- آزادی جنسی..... ۲۲۸
- ریشه‌های محبت..... ۲۳۰
- تحلیل هیجان..... ۲۳۰
- میل و تعقل..... ۲۳۲

۲۳۴	محدودیت جنسی
۲۳۵	عشق به قدرت
۲۳۶	انگیزه‌های خرابکارانه و خلاق
۲۳۸	نقش اخلاق و مذهب در کنترل انسان
۲۳۹	دردهای خانمانسوز بشر
۲۴۱	موقعیت روح‌های بزرگ
۲۴۴	کنترل هیجان و انرژی‌های نشاطبخش
۲۴۶	کار و نیاز انسان
۲۴۷	عوامل تهدیدکننده بشر
۲۴۸	پدیده هیستری
۲۵۰	بهشت و جهان ابدیت
۲۵۱	شک فلسفی
۲۵۳	اختلاف میان فکر و ذهن
۲۵۵	مذهب
۲۵۵	مقدمه
۲۵۷	تصوّر راسل از خداوند
۲۵۹	ایمان دانشمندان به خداوند
۲۶۲	اشرف مخلوقات از نظر اسلام
۲۶۴	مقایسه قدرت عبادت با علم
۲۶۵	تأثیر خداوند در جهان و انسان
۲۶۸	تصوّر غلط از خدا
۲۶۹	پرسش از علت وجود خدا
۲۷۱	مسئله گناه و عذاب
۲۷۲	تحول انواع
۲۷۳	آرامش بخش بودن افسانه
۲۷۴	سازش موجودات با محیط
۲۷۵	زیبایی و هماهنگی در طبیعت

۲۷۶	شُبُهَة آكل و مأكول
۲۷۸	عدم تناسب در اجزای جهان
۲۷۹	قضا و قَدَر
۲۸۰	ناتوانی بشر
۲۸۲	لذايذ زودگذر و لذايذ رُوحی
۲۸۳	اشتباهات تورات
۲۸۳	معنای گناه
۲۸۶	چرا خداوند بشر را از ابتدا کامل نیافرید؟
۲۸۸	نقش مذهب در زندگی بشر
۲۹۱	خدا از دیدگاه ادیان
۲۹۷	ترس و ریشه مذهب
۲۹۹	وجود حیات در کرات دیگر
۳۰۱	حیات پس از مرگ
۳۰۳	امور جنسی و زناشویی
۳۰۳	مقدمه
۳۲۱	تعلیم و تربیت
۳۲۱	مقدمه
۳۲۴	تغییر نظر در علوم طبیعی و انسانی
۳۲۵	فروید و مذهب
۳۲۷	اعتقاد بر پایه استدلال منطقی
۳۳۱	وقت شناسی
۳۳۲	سوء استفاده‌های انسان
۳۳۳	قضاوت راسل درباره ارسطو
۳۳۵	رفتار با فرزندان
۳۳۷	ملاک خوبی و بدی
۳۳۹	روش تربیت کودکان
۳۴۲	اختلاف انسان‌ها

۳۴۳	عدم تساوي خصوصيات مردان و زنان
۳۴۵	شناخت اشتباهات
۳۴۷	اخلاق و خواسته‌های طبیعی
۳۴۹	استخدام صحيح علم
۳۵۰	صداقت علمی
۳۵۱	فشار رواني راسل
۳۵۲	آکسیوم‌ها (اصول بدیهی)
۳۵۴	حساسیت مذهبی
۳۵۹	سیاست
۳۵۹	مقدمه
۳۶۴	بی‌نیازی خداوند از عبادت
۳۶۷	دوام و ثبات برخی از اصول انسانی در تاریخ
۳۷۰	نظریه مالتوس
۳۷۱	تناقض راسل
۳۷۵	مذهب، مهار کینه‌توزی
۳۷۸	نقش خدا و دین در جامعه
۳۸۵	اخلاق
۳۸۵	مقدمه
۳۸۹	کشتن بیماران علاج‌ناپذیر
۳۹۲	تناقض راسل درباره فقدان روح و مسئله گناه
۳۹۶	وضع رواني راسل
۳۹۷	لذت بردن از مزایای طبیعت
۳۹۹	تفاوت اراده تکوینی و اراده تشریحی
۴۰۰	آزادی انتخاب مذهب
۴۰۳	حسن جستجوی موجود برین
۴۰۵	کشتار جمعی و آزاد بودن آمیزش جنسی
۴۰۸	روش فکري سقراط و افلاطون

۴۱۲	راسل و استهزای متفکران
۴۱۵	دستورات الهی و محرمات
۴۱۶	نقد اخلاق کانت
۴۱۸	تقوا در اسلام
۴۲۳	تحلیلی در شخصیت علمی و فلسفی برتراند راسل
۴۳۳	خلاصه‌ای از زندگی و آثار برتراند راسل
۴۳۵	بررسی و نقد نظریات دیوید هیوم در چهار مسئله فلسفی
۴۳۷	روش فکری دیوید هیوم
۴۵۱	دریافت «من» یا «شخصیت»
۴۵۷	قانون علیّت
۴۵۸	دیدگاه اول - شکاکیت هیوم در حقایق فراتر از محسوسات
۴۶۰	دیدگاه دوم - اختیار یا اراده آزاد انسانی
۴۶۴	دیدگاه سوم - نظریه عدم حتمیت در فیزیک نو
۴۶۴	استدلال‌های عمده علیه اصل علیّت
۴۶۴	۱- رابطه عدم قطعیت (حتمیت) هایزنبرگ
۴۶۴	۲- ماهیت احتمالی پیش‌بینی‌های مکانیک کوانتوم در مورد رفتار میکرو ذرات
۴۶۴	۳- پرواز تناوبی (یک در میان) الکترون‌ها در آزمایش‌های تفرق ...
۴۶۷	دیدگاه چهارم - خلاقیت خداوندی و استمرار آن در جهان هستی
۴۷۱	هست‌ها و بایست‌ها
۴۷۱	موضوع حکمت نظری
۴۷۱	موضوع حکمت عملی
۴۷۳	مخالفت دیوید هیوم اسکاتلندی با استناد بایستی‌ها و نبایستی‌ها به هست‌ها و نیست‌ها
۴۷۶	هست‌ها و بایست‌ها و اشتراک آن‌ها در مجرای قوانین علمی و فلسفی
۴۷۷	تعریف موضوع، مسئله، دیدگاه و قانون علمی
۴۷۹	تعریف مسئله
۴۸۱	ویژگی مسئله علمی
۴۸۱	تعریف و ویژگی دیدگاه علمی

۴۸۲	تعريف و ویژگی قانون علمی
۴۸۵	روش‌های متنوع برای کشف قوانین علمی
۴۸۶	منشأ کلیت قوانین
۴۸۹	اشتراک موضوعات، اعم از طبیعی و ارزشی در دیدگاه علمی
۴۹۵	دخالت اختیار در حقایق ارزشی، منافاتی با علمی بودن آن‌ها ندارد
۵۰۱	دلیل علمی بودن جریان کارِ اختیاری بعد از وقوع آن، از دیدگاه کاملاً علمی
۵۰۴	یک راه علمی برای کشف عوامل و ارزش کارِ اختیاری
۵۰۵	تعریف ارزش و تقسیم آن به ارزش‌های قراردادی و ارزش‌های مستند به واقعیات
۵۰۵	نوع یکم - ارزش‌های مستند به قراردادها
۵۰۷	نوع دوم - ارزش‌های مستند به واقعیات و بیان ملاک این استناد
۵۱۱	هر نوع مخالفت با ارزش‌های مستند به واقعیات، نوعی اثر در واقعیات مربوط می‌گذارد
۵۱۴	امکان بررسی حقایق ارزشی از دیدگاه علمی و فلسفی
۵۱۶	آیا دین از علم و فلسفه جداست؟
۵۲۰	اعتباری نبودن ارزش‌ها
۵۲۴	ریشهٔ هماهنگی هست‌ها و باید‌ها
۵۲۷	حکمت الهی مبنای رابطهٔ باید‌ها و هست‌ها
۵۳۴	آیه بودن موجودات عالم هستی
۵۴۵	نمایهٔ آیات
۵۴۹	نمایهٔ روایات
۵۵۳	نمایهٔ اشخاص
۵۶۱	نمایهٔ کتاب‌ها



پیشگفتار

انتشار سومین جلد از مجموعه آثار استاد محمدتقی جعفری در چند سال بعد از رحلت ایشان، گامی در احیاء و ارائه اندیشه‌های فیلسوف و انسان‌شناس بزرگ معاصر محسوب می‌شود. مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری از نصیب این توفیق‌گران ارج خرسند بوده و بر درگاه خدای متان خاضع و سپاسگزار است. بدون تردید، این مؤسسه علی‌رغم تمام موانع و مشکلاتی که پیش روی دارد، از وظیفه سنگین خود بازنايستاده و با استمداد از روح ایشان بیش از پیش در خدمت اندیشه‌دوستان و راهپویان وادی تفکر و دانش‌ور خواهد بود و در کنار طرح‌های علمی و فکری دیگر خود، انتشار مجلدات بعدی مجموعه آثار را سرلوحه اقدامات اساسی خود قرار خواهد داد تا بر بخش بزرگی از تمنا و نیازهای اصحاب اندیشه، پاسخ داده باشد. از این قبیل اهل فضل و مرزبانان وادی اندیشه و حکمت یاد می‌کنیم از استاد محمدرضا حکیمی، یار دیرینه استاد جعفری که از سال‌ها پیش، لزوم چاپ و نشر مجموعه آثار را در هیأتی موزون و صورتی لطیف یادآور شده، و از سر دلسوزی و مصلحت‌خواستار این مهم بوده‌اند ... و اینک، این مؤسسه و مدیریت آن، خرسند از این اجابت، آرزومند است که جلد‌های بعدی این مجموعه هر چه سریع‌تر به حلیه طبع آراسته شوند.

ویژگی و مزیت این مجلد این است که این اثر حاوی آن بخش از اندیشه‌های ایشان است که توجه و عنایت جدی وی را به اندیشه‌های متفکران غربی می‌نمایاند. آن عده از مطالعه‌کنندگان که با نظام (سیستم) فکری استاد جعفری آشنایی دارند، به خوبی می‌دانند که ایشان با اعتقاد عمیق خویش بر فرهنگ مشترک بشری، مرزبندی‌های صوری در قلمرو اندیشه‌های شرقی و غربی را در هم ریخته و دیدگاه‌های برتراند راسل را به

همان اندازه قابل بحث و بررسی می‌دانست که برخی از اندیشه‌های متفکران شرقی را. وی بررسی و تحقیق در افکار فیلسوفان و پیشتازان مکاتب را فارغ از قید شرقی و غربی بودن، وظیفهٔ اندیشمندان و مدرّسان حوزه و دانشگاه می‌دانست و بی‌اعتنایی بر یک بخش از ماجراهای اندیشه را کاری خام و ناقص می‌دانست. از این جاست که می‌نگریم یک بخش از اساسی‌ترین اندیشه‌های او در تمام آثار کوچک و بزرگی که نگاشته و بر فرهنگ بشری ارزانی داشته است، تحلیل و نقد اندیشه‌های فلسفی برخی از متفکران غرب چون: ماکیاولی، هابز، هیوم، فروید، نیچه، برتراند راسل، وایتهد و دیگران است.

دارندهٔ این جلد از مجموعه آثار، در حقیقت، صاحب سه کتاب اساسی علامه جعفری در باب بررسی و نقد اندیشه‌های فلسفهٔ غرب می‌باشد:

۱- توضیح و بررسی مصاحبهٔ راسل - وایت

۲- برگزیدهٔ افکار راسل

۳- نقد و بررسی نظریات دیوید هیوم در چهار مسئلهٔ فلسفی

شایان ذکر است که ترتیب آثار یادشده، بر اساس سال‌های تألیف آنهاست، وگرنه با توجه به تقدّم زمانی هیوم بر راسل، باید بررسی آراء وی در ابتدای کتاب قرار می‌گرفت.

توضیح و بررسی مصاحبه

راسل - وایت



مقدمه

از بزرگ‌ترین مسائل حسّاس که در شناسایی‌های حیات انسانی در اغلب قرون و اعصار، اذهان را به خود مشغول داشته، سه مسئله مهم: «فلسفه، اخلاق و مذهب» است. اهمیت فلسفه را از جهات مختلفی می‌توان در نظر گرفت که عمده آن‌ها به قرار زیر است:

- ۱- هنگامی که تعریف عمومی فلسفه را در نظر می‌گیریم، می‌بینیم تمامی ایدئولوژی‌های معمولی دارای یک نظام (سیستم) فلسفی عمومی یا شخصی بوده، و آن نظام در ذهن معتقد به آن ایدئولوژی، راه‌یابی قبلی داشته است. مثلاً این عقیده که: در قلمرو شناسایی‌ها، هسته اصلی انسان است، چنان‌که در فلسفه ایده‌آلیست‌ها مشاهده می‌شود، مسلماً مسبوق به یک رشته تفکرات فلسفی می‌باشد. و هم‌چنین، عقیده‌ای که می‌گوید: «محور شناسایی‌ها طبیعت خارجی بوده و انسان به هیچ وجه قلمرو مخصوص به خود ندارد»، بدون شک، نتیجه یک رشته تفکرات فلسفی است. آشکارترین دلیل بر این مدعا این است که اگر مقدمات انعقاد این ایدئولوژی‌ها، قضایای مصرّح و قاطع علمی بود، اصلاً وجود دو مکتب متضاد، نامفهوم و پوچ بود.
- ۲- قضایایی به صورت فرضی و نظری مطرح می‌شوند. آن قضایا در این حالت جنبه ذوقی و احتمالی داشته و با قوانین و مفاهیم عالیة فلسفه، راهی برای امکان تحقّق خارجی آن‌ها باز می‌شود؛ سپس با افزایش کاوش‌های علمی، همان قضایا در ردیف مسائل علمی

قرار می‌گیرد.

۳- کشف روابط و مفاهیم کلی که بتواند از عهده پیوستن نتایج محدود و مشخص مسائل علمی برآید، منحصر به فلسفه بوده و تاکنون هیچ‌گونه دانشی ارائه نشده است که بتواند قاطعانه این‌گونه شناسایی را که بشر بدان علاقه دارد و باید هم علاقه داشته باشد، در اختیار انسان‌ها بگذارد.

اما اهمیت مذهب به طوری که شاید هیچ‌گونه احتیاجی به گفتگوی زیاد نداشته باشد. پدیده مذهب، به اصطلاح عمومی، از عمیق‌ترین احساس بشری سرچشمه گرفته است، با این که بعضی از افراد بشری گاهی آن را نتیجه ترس و ناتوانی می‌دانند. گاهی آن را با علم و دانش به خصومت می‌کشاند. گاهی بنا به سوء استفاده‌هایی که در امتداد تاریخ از مذهب شده، آن را مفید نمی‌بینند. با همه این خصومت‌ها که اگر در هر پدیده‌ای بود، آن را ساقط می‌کرد، مشاهده می‌شود هر فیلسوف و متفکری که موضوع تفکرات او، این موجود بزرگ - که ما آن را انسان نامیده‌ایم - باشد، خواه در مسائل اجتماعی و خواه در مسائل سیاسی، حقوقی، اخلاقی، اقتصادی، تاریخی، روانی و ... انرژی فکری فراوانی را در جهت مثبت و جهت منفی مصروف می‌دارد.

آن‌چه که ملاحظه روش‌های مذهبی مجموع ملل نشان می‌دهد، این است: تا زمانی که دو دروازه ورود و خروج جهان هستی باز است، این سؤالات تا ابد برای انسان‌ها مطرح خواهد بود که: «من کیستم؟ از کجا آمده‌ام؟ به کجا آمده‌ام؟ با کیستم؟ برای چه آمده‌ام؟ به کجا خواهیم رفت؟» و تاکنون هیچ‌یک از مکاتب انسانی مانند مذهب نتوانسته است پاسخ آرامش‌بخشی به این سؤالات بدهد.

این نکته را باید متوجه باشیم که عشق انسانی به مذهب، همانند عشق او به عدل و آزادی و حق‌شناسی است؛ چنان‌که سوءاستفاده‌های تبهکارانه از مفاهیم عدالت و آزادی و حق‌شناسی، قیافه آن‌ها را در نظر انسان، زشت نخواهد کرد، هم‌چنین است عشق به مذهب. نهایت امر، بشر چنان‌که موظف است مفاهیم سه‌گانه مزبور را از چنگال سودجویان درآورده و آن‌ها را مورد استفاده قرار بدهد، هم‌چنین موظف است مذهب را از عنوان وسیله تبهکاری برکنار نموده و در معرض بهره‌برداری صحیح قرار دهد.

درباره اهمیت اخلاق، همین مقدار کافی است بگوییم که:

اخلاق می‌کوشد در درون افراد بشری عواملی را ایجاد کند که آنان بتوانند بدون ترس از کیفر، از ارتکاب جرم خودداری کنند و بدون طمع در پاداش، نیکی‌ها را انجام دهند و ضرورت شناخت حق و کوشش در راه آن را از نیروی درونی خود دریافت کنند.

این است شمه‌ای از اهمیت سه مسئله: فلسفه، مذهب و اخلاق.

آقای برتراند راسل که از متفکرین دنیای غرب به شمار می‌رود، مانند دیگر فلاسفه و متفکرین، این سه مسئله را مورد بحث قرار داده است.

ایشان در سال ۱۹۵۹ میلادی، مصاحبه‌ای در تلویزیون لندن با آقای وودرو وایت انجام داده و تمامی مصاحبه که شامل موضوعاتی متعدد و جالب است، در یک کتاب تحت عنوان: برتراند راسل افکار خود را بیان می‌کند (Bertrand Russell Speaks His Mind) منتشر شده است.

عده‌ای از دانشجویان و دانش‌پژوهان محترم، از این موضوعات متعدد، سه موضوع: «فلسفه، مذهب و اخلاق تابو» را انتخاب نموده، و توضیح و بررسی سه موضوع مزبور را به این جانب پیشنهاد کردند که به اندازه توانایی‌ام به توضیح و بررسی آن اقدام نمودم که اکنون پیش روی شما قرار گرفته است.

در این جا، ابتدا سؤال آقای وایت و پاسخ آقای برتراند راسل را مطابق اصل مصاحبه ذکر نموده، سپس توضیح و تفسیری که برای سؤال و جواب ضروری به نظر می‌رسید، بیان کرده‌ام. در بعضی از موارد که جواب آقای راسل مبهم و قابل تأمل بود، بررسی و نظر خود را اظهار داشته‌ام.

در پایان، از دانش‌پژوهان محترم، آقایان: وکیل‌پور و امینی که در ترجمه این مصاحبه همکاری داشته‌اند، سپاسگزارم.

محمدتقی جعفری

سال ۱۳۴۵ (ه. ش)

شک فلسفی و فلسفه شک

کسانی که با آثارِ قلمی آقای برتراند راسل آشنایی دارند، می‌دانند که روش فکری ایشان در موارد فراوانی با روش شک فلسفی شباهت کامل دارد. بنابراین، ضروری است که شرحی در این باره متذکر شویم. برای توضیح روش تفکیک آقای راسل، ایشان در همین مصاحبه در مقابل سؤال زیر:

نتیجه عملی فلسفه شما برای کسی که بخواهد بداند چه روشی را باید برای خود در پیش گیرد، چیست؟

چنین جواب می‌دهد:

افراد زیادی برای من نامه می‌نویسند که حاکی از این است که آن‌ها در اتخاذ روش مناسب در زندگی کاملاً سرگشته و متحیرینند، زیرا آنان دستورالعمل‌های سابق را برای عمل صحیح کنار گذاشته‌اند، و اکنون نمی‌دانند کدامین راه را انتخاب کنند! نوع فلسفه مورد اعتقاد من بدین طریق مفید است که مردم را قادر می‌سازد تا آنان بتوانند بدون این‌که به‌طور مطلق به صحت عملشان ایمان داشته باشند، قاطعانه عمل کنند. من فکر می‌کنم هیچ کس نباید دربارهٔ هیچ چیز اطمینان کامل داشته باشد. اگر شما چنین هستید، یقیناً در اشتباهید، زیرا هیچ چیز شایستهٔ اطمینان نیست. بنابراین، هر کسی باید همیشه عقاید خود را با یک جزء مسلمی از تردید در نظر بگیرد. و هر فرد بایستی توانایی آن را داشته باشد که با داشتن تردید به‌طور قاطعانه عمل نماید ...^۱

۱- توضیح و بررسی مصاحبه برتراند راسل - وایت، سؤال ۱۶.

مطالعه‌کنندگان محترم نیز همین روش را در مباحث این کتاب مشاهده خواهند فرمود. بنابراین، ما مجبوریم مقدمه‌ای درباره شک فلسفی و فلسفه شک متذکر شویم که نه تنها در بررسی مطالب این کتاب، بلکه در تمام آثار قلمی آقای راسل، خصوصاً آن‌جا که درباره مسائل عالی‌انسان‌ها اظهار نظر می‌کند، شاید مفید باشد.

درباره تفسیر ماهیت و علل و نتایج شک، علم، ظن، وهم، غفلت و جهل با انواع گوناگونش، مسائل زیادی را از نظر روانی می‌توان در نظر گرفت، ولی ما در این مقدمه با آن مسائل سر و کاری نداریم، بلکه منظور ما فقط توضیح مختصری درباره عنوان مذکور می‌باشد که در استفاده برای تشریح روش فکری ایشان ممکن است مفید باشد.

می‌توان گفت: شک فلسفی از حیث ماهیت با دیگر شک و تردیدها تفاوتی ندارد، زیرا شک در هر موردی که باشد، به معنای تساوی دو احتمال متقابل درباره ثبوت و عدم، نسبتی میان یک موضوع و محمول است. مثلاً شک درباره طلوع آفتاب، از حیث ماهیت، با شک درباره متناهی یا بی‌نهایت بودن جهان هستی از نظر فوق هیچ‌گونه تفاوتی ندارد، زیرا دو احتمال مساوی از نظر روانی و پدیده ادراک که به چگونگی واقع مشرف شده، در هر دو مورد یکی است. خلاصه، اگر ما علم (یقین، جزم، قطع) را انکشاف صد در صد واقع بدانیم، شک همان احتمال پنجاه درصد طرف ثبوت، و پنجاه درصد طرف عدم همان نسبت است.

تحلیل شک به‌طور کلی

شک و تردید هم مانند دیگر پدیده‌های روانی، هر چند از نظر جلوه‌گاه و موردش، قابل تحلیل به واحدهای اولیه می‌باشد.

ما باید بدانیم که تفاوت میان جهل ابتدایی و شک بسیار واضح است، زیرا در جهل ابتدایی - چنان‌که در مبحث آینده توضیح خواهیم داد - نیروی ادراک، عاملی برای ادراک ندارد. به عبارتی دیگر: صفحه ادراک ما در موقع جهل ابتدایی، شبیه آینه‌ای است که در محاذات آن، جسمی قرار نگرفته است تا نمود آن را در خود منعکس کند؛ در صورتی که در پدیده شک، ادراک‌کننده در مقابل حقیقتی قرار گرفته، ولی بنا به عدم مساعدت عوامل، در حالت ابهام و تاریکی واقع شده است. این ابهام در این است که آیا یک پدیده به عنوان موضوع، با یک محمول مفروض، رابطه ثبوتی دارد یا نه؟

به عنوان مثال: ممکن است ما اصلاً به وجود یک جلد کتاب در اتاق شرقی جاهل بوده باشیم، به این معنا که اصلاً برای ما احتمال این که در اتاق شرقی کتابی وجود داشته باشد، مطرح نیست. هم‌چنین، ممکن است احتمال کتاب در آن اتاق برای ما مطرح باشد، ولی از بودن کتاب یا نبودن آن در اتاق مفروض اطلاعی نداشته باشیم، و هر دو احتمال وجود و عدم کتاب در آن اتاق برای ما مساوی باشد.

این تفسیر، از حیث ملاحظات عرفی، برای شک و جهل ابتدایی کافی به نظر می‌رسد، ولی اگر دقت کنیم، خواهیم دید دربارهٔ شک، تحلیل عالی‌تری هم می‌توان ارائه نمود که در روش‌نهایی فکری ما کاملاً باید منظور شود.

شک، پدیده‌ای مخلوط از روشنایی و تاریکی

این جمله را در نظر بگیرید: «نمی‌دانیم در این کتاب عکس نویسنده وجود دارد یا نه؟»
واحد‌های روشن ما عبارتند از:

۱- این کتاب

۲- عکس

۳- نویسنده

۴- هستی و نیستی

این مفاهیم چهارگانه در ذهن ما توسط حواس و فعالیت‌های عقلانی منعکس است؛ یعنی هر یک از آن‌ها را به‌طور جداگانه درک می‌کنیم.

در این جا، فقط یک تاریکی برای ما وجود دارد که برای توضیح این واحد تاریک، مطلبی بدیهی را در نظر می‌گیریم، و آن این است که هر موجودی امکان پذیرش حالات گوناگونی را دارد. مثلاً کتاب موجودی است قابل احتراق، و می‌توان آن را در معرض خرید و فروش نیز مشاهده نمود؛ کتاب قابل سنجش است؛ کتاب ممکن است دارای مطالب علمی خوب باشد و ممکن است مسائل مطرح‌شده در کتاب، خرافاتی باشد. علاوه بر این حالات، حالت دیگری نیز برای کتاب قابل تصور است، و آن این است که عکس نویسندگان را هم در پشت صفحهٔ اول آن چاپ کنند. در این قضیه، فقط حالت اخیر برای ما مشکوک است. یعنی نمی‌دانیم عکس نویسنده در آن چاپ شده است یا نه؟ ملاحظه می‌شود

تاریکی ما این نقطه است که آیا کتاب دارای عکس نویسنده‌اش است یا نیست؟ یعنی رابطه‌ی ضمیمه شدن میان کتاب و عکس نویسنده وجود دارد یا نه! این دو احتمال هستی و نیستی عکس در کتاب، کاملاً مساوی است.

تفاوت میان شک و جهل ابتدایی

از این‌جا تفاوت میان شک و جهل ابتدایی کاملاً برای ما روشن می‌شود، زیرا در جهل ابتدایی فقط خود نقطه‌ی تاریک برای ما مطرح می‌شود، در صورتی که در مورد شک، همان نقطه‌ی تاریک، واحدهای روشنی را در پیرامون خود دارا می‌باشد. بر این اساس است که می‌بینیم در هر قضیه‌ی مشکوک، یک جهل ابتدایی وجود دارد، ولی چنین نیست که هر جهل ابتدایی مشکوک باشد. خلاصه، در قضیه‌ی مشکوک یک التفات برای واحدهایی وجود دارد که در جهل ابتدایی خالص وجود ندارد.

نتیجه‌ی این بررسی چنین است: کسی که درباره‌ی حقیقتی هیچ‌گونه روشنایی ندارد، یعنی در پیرامون نقطه‌ی مجهول، او هیچ‌گونه واحدهای روشنی را احراز ننموده است، نمی‌توان گفت چنین شخصی در آن حقیقت شک دارد، و دیگران باید درباره‌ی شک او محاسبه‌ای داشته باشند. آقای راسل خودشان بارها به کمی معلومات بشری اعتراف کرده‌اند. از آن طرف، مطالعه‌کنندگان آثار ایشان هم به خوبی می‌دانند که اظهارنظر ایشان درباره‌ی صدها مسائل مختلف، مانند اظهارنظر یک متخصص انجام می‌گیرد، در صورتی که قلمرو تخصص آقای راسل محدود است.

ممکن است شک درباره‌ی یک حقیقت از عوامل مختلفی ناشی شود، از آن جمله:
۱- بی‌سابقه بودن عوامل در رابطه‌ی مشکوک آن حقیقت با یک پدیده‌ی دیگر. مانند این که گیاهی را در بیابان می‌بینیم، ولی نمی‌دانیم آیا این گیاه گل دارد یا نه؟ واحدهای روشن ما در این مورد کاملاً آشکار است، و نقطه‌ی تاریک ما این است که آیا این گیاه از گیاهان گل‌دار است یا خیر؟ عامل این تاریکی، نداشتن سابقه‌ی شناسایی درباره‌ی این گیاه است که فعلاً آن را تماشا می‌کنیم.

۲- ما به واحدهای پیرامون آن نقطه‌ی تاریک، سابقه‌ی شناسایی داریم، ولی پدیده‌ی معینی

را دیده‌ایم که گاهی در آن نقطهٔ مفروض وجود دارد و گاهی وجود ندارد، و آن نقطه پدیدهٔ ضد آن را به خود پذیرفته است. چنان‌که در جهان اتم‌ها می‌بینیم که آن‌ها گاهی پدیدهٔ موجی دارند و گاهی صفات چرمی از خود نشان می‌دهند. در این مثال، ما اتم را درک کرده‌ایم و موج بودن یا چرم بودن و خواص آن دو هم برای ما روشن است، ولی نقطهٔ تاریک ما این است که اتم، کدام یک از آن دو را به‌طور اصالت داراست؟ ولی اگر کمی دقت کنیم، خواهیم دید این‌گونه شک هم دارای همان علتی است که قسم اول دارا می‌باشد. یعنی ما به حقیقت همهٔ جانبهٔ اتم سابقهٔ شناسایی نداریم.

شک‌های معمولی، علمی و فلسفی

همان‌گونه که در اول مباحث گفتیم، از نظر ماهیت شک، در هیچ یک از موارد آن مغایرتی وجود ندارد، بلکه تفاوت‌ها از ناحیهٔ موضوعاتی است که مورد تردید قرار می‌گیرند. به عنوان مثال:

- ۱- شک در یک پدیدهٔ جهان طبیعت
- ۲- شک در این‌که آیا کردار فلان شخص از روی عدالت بوده است یا نه؟
- ۳- شک دربارهٔ یک موضوع حیاتی
- ۴- شک در گوشه‌ای از روح قرار گرفته و با هیچ‌گونه مبارزهٔ روانی روبرو نمی‌شود. یا بر عکس.

اگر درست ملاحظه شود، تفاوت میان این موارد از نظر موضوعات و چگونگی رابطهٔ آن با وضع روانی ماست، نه در خود ماهیت شک.

اکنون می‌پردازیم به تفاوت میان شک در موضوعات معمولی، علمی و فلسفی. در این سه قسم نیز مانند شکوک مذکور، هیچ‌گونه تفاوتی از نظر حقیقت شک وجود ندارد، بلکه تفاوت از نظر موضوعات و اهمیت آن‌هاست. حالا ببینیم تفاوت موضوعی و یا با اهمیت بودن آن‌ها در شکوک سه‌گانه چگونه مطرح می‌شود؟:

الف - موضوعات معمولی با نظر به حدود و مشخصات آن‌ها در جریان روزمرهٔ زندگی بسیار محدودند. مثلاً من امروز به ملاقات دوست خود می‌روم و جایی که باید دوستم را در

آنجا ملاقات کنم، گردشگاه معمولی دوست من است، ولی هیچ‌گونه ضرورتی ندارد که او همیشه در ساعت معین به همانجا برای گردش برود؛ پس امروز درباره ملاقات او در آن گردشگاه تردید دارم.

در این مثال بسیار معمولی، واحدهای روشن و تاریک قضیه بسیار ساده بوده و هیچ‌گونه پیچیدگی ندارد، زیرا این واحدها در جریان روزمره زندگی ما به‌طور مکرر مورد ابتلای ما قرار گرفته و ما در این مثال با آن قیافه‌ها که در پشت پرده روابط زندگی معمولی است، کاری نداریم.

ب - اما موضوع یک شک علمی، باز با توجه به این که پیرامون موضوع مشکوک را یک عده واحدهای روشن احاطه نموده است، هیچ تفاوتی با شکوک معمولی ندارد، تنها تفاوت آن، در واحدهای روشن پیرامون موضوعات معمولی ساده و در موضوعات علمی عمیق تر و پیچیده تر است.

ج - اما شک فلسفی؛ واضح است که بنا به وسعت و عمق موضوعاتش، از موضوعات علمی عمیق تر و پیچیده تر خواهد بود.

اهمیت شکوک سه‌گانه را می‌توانیم در مثال‌های زیر درک کنیم:

۱- می‌خواهم به ملاقات دوستم بروم، ولی شک می‌کنم که آیا دوستم را در آن گردشگاه خواهم دید یا نه؟

۲- آیا عناصر به ۱۰۲ عنصر منحصر است، یا بیش از این رقم می‌باشد؟ تا چه حدودی این رقم می‌تواند افزایش پیدا کند؟

۳- حرکت کلی در جهان طبیعت چیست؟ چرا ماده در حرکت است؟ عامل محرک تاریخ کدام است؟

شک عمیق و شک سطحی

این‌که می‌گوییم شک سطحی و شک عمیق، چنین به نظر می‌آید که ما ماهیت شک را به دو نوع تقسیم می‌کنیم، ولی همان‌گونه که پیش از این گفتیم، اختلاف شک‌ها با نظر به موضوع شک و روشنایی واحدهای پیرامون مورد شک می‌باشد، مانند یقین که از حیث ماهیت در هیچ مورد تفاوتی نمی‌کند.

ما اقسام شک را از نظر اختلاف در موارد بیان کردیم. اکنون می‌خواهیم اقسام شک را از جنبهٔ واحدهای روشنی که پیرامون مورد شک قرار گرفته‌اند، بیان کنیم: گاهی از واحدهایی که پیرامون مورد شک را احاطه نموده، اطلاع اندکی داریم. مثلاً در این قضیهٔ مشکوک: «آیا آزادی درونی قابل تغییر است؟»، بنا به ناچیزیِ معلوماتِ ما دربارهٔ آزادی درونی، شک ما سطحی خواهد بود. اما در این قضیه: «آیا ارزش کالا مولود کار است؟» شک ما عمیق‌تر است، زیرا دربارهٔ ارزش کالا و کار، معلومات بیش‌تری داریم، به طوری که یک عده روشنایی‌ها که ممکن است در اولین مرحله موجب ارتفاع تشکیک ما قرار بگیرد، منظور بوده و با این حال نتوانسته است شک ما را برطرف نماید.

نسبی بودن عمیق و سطحی بودن شک

اشخاص به اندازهٔ اطلاعات و معلومات خود، دربارهٔ قضایا شک سطحی یا عمیق دارند. دو قضیه مذکور برای همهٔ اشخاص به‌طور یکسان مطرح نمی‌شود. مثلاً قضیهٔ «آیا آزادی درونی قابل تغییر است؟» برای متخصص علوم روانی، بسیار عمیق است، تا آن کسی که در این‌گونه مسائل روانی کاری نکرده و یا دارای اطلاعات محدود است و یا اصلاً برای او وجود ندارد. روی این بیانات روشن، ما نباید شک‌های تمام افراد را به‌طور یکسان منظور کنیم.

شک یک آدم معمولی یا دانشمند متخصص در یک رشتهٔ دیگر، با شک یک انسان متخصص خیلی متفاوت است. مثلاً شکی که یک فیزیک‌دان عالی‌مقام در پدیده‌های مربوط به جهان اتم‌ها ابراز می‌دارد، غیر از شک یک آدم معمولی و یا یک متخصص باستان‌شناسی است که در مسئلهٔ مزبور اظهار می‌دارند. آن‌چه که از روش فکری آقای راسل مشاهده می‌شود، ایشان در منطق و ریاضیات و تاریخ فلسفهٔ غرب دارای معلومات عمیقی هستند، ولی در روان‌شناسی، فلسفهٔ شرق، حقوق، اقتصاد، مذهب و اخلاق، دارای همان عمق معلومات نمی‌باشند. بنابراین، شک آقای راسل در دو قلمرو نباید به‌طور یکسان تلقی شود.

قضیه مشکوک و قضیه شبیه مشکوک

قضیه مشکوک، عبارت است از قضیه‌ای که رابطه مفروض در میان یک موضوع معین و محمول مشخص مورد تردید قرار گرفته باشد. یعنی از حیث وجود یا چگونگی ارتباط میان موضوع و محمول یا عدم آن ارتباط، دو احتمال مساوی داشته باشیم. اما قضیه شبیه مشکوک، قضیه‌ای است که درباره یک موضوع در صدد جستجوی محمولات مناسب هستیم. مثلاً یک موجود جامد را می‌بینیم، ولی نمی‌دانیم آن سنگ معدنی است یا یک تخته چوب، و اگر سنگ معدنی است، از کدام اقسام آن است؟ یا اگر یک تخته چوب است، از کدام اقسام آن است؟ فقط در این مورد یک موضوع جامد را مشاهده می‌کنیم، ولی نمی‌دانیم وضع وجودی آن موجود جامد چیست؟ خلاصه، تفاوت زیادی است در میان قضایای مشکوک، که محمولات مورد احتمال چه مقدار است؟ گاهی این محمولات مورد احتمال کم، و گاهی زیاد است، ولی در هر صورت اگر محمولات احتمالی مشخص بوده باشند، شک صورت روشن‌تری دارد؛ در صورتی که اگر درباره محمول هیچ چیز ندانیم، این‌گونه شک، شبیه به قضیه مشکوک است. اگر کسی در این اصطلاح مناقشه‌ای داشته باشد، می‌تواند از اصطلاح دیگری در این مورد استفاده کند، زیرا وجود این اقسام در قضایای مشکوک واقعیت دارد.

پدیده شک یا وسیله با اهمیت برای وصول به واقعیات جدیدتر

در تاریخ تفکرات، هیچ متفکری را سراغ نداریم که در حالاتی معین و تحت شرایطی خاص، درباره عده‌ای از مسائل علمی یا فلسفی تردید نداشته باشد. شهرت غزالی و دکارت در این باره بنا به شهرت شخصیت آنان و اهمیت موضوع شک ایشان می‌باشد، نه این‌که شک کردن در معلومات بشری منحصر به روش فکری آنان بوده است! این تشکیک، در حقیقت، طغیانی علیه معلومات کلاسیک زمان آن متفکران است، و اگر نظری به پیشرفت علوم و دیگر شناسایی‌ها بیندازیم، خواهیم دید که شک یک پدیده ضروری برای پیشبرد تمدن به تمام معنای آن است. اگر انسان‌ها در هر دورانی نتوانند از یقین به صحت معلومات رسمی و ثابت‌شده خود دست بردارند، چگونه می‌توانند از آن معلومات رسمی رها شده و گام تازه‌ای در کشف اسرار طبیعت بردارند؟